

The rights and freedoms of religious minorities in Iran's legal system in the light of the constitution and the views of the Guardian Council

Ahmad Taghizadeh *

Hamid Feli **

Abstract

The rights and freedoms of citizens in different countries are important topics related to constitutional law. Minorities are one of the types of groups of citizens, which are divided into various categories and types such as religious, linguistic, racial, etc. Considering that the violation of the rights of the above-mentioned minorities is a possibility that cannot be ignored, the constitutional legislator in many countries has taken steps to clarify the rights and freedoms of the religious minorities. In the Islamic Republic of Iran, religious minorities have specifically specified that religious minorities benefit from various rights and freedoms in some of the principles of the constitution, in addition to religious minorities. Therefore, the question of this article is, what is the quality of the enjoyment of various rights and freedoms by Iranian religious minorities, compared to the enjoyment of these rights and freedoms by other citizens? By using the descriptive-analytical research method, it was concluded that religious minorities like other citizens and followers of the official religion, at the level of legal norms of rights and Fundamental freedoms are beneficial in cultural, social, political, economic, administrative and employment dimensions based on the Iranian Constitution, the views of the Guardian Council and ordinary laws.

Keywords: Keywords: rights and freedoms, religious minorities, constitution, views of the Guardian Council, benefit, deprivation.

* PhD of Public Law, College of Farabi University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author: ah.taghizadeh@yahoo.com).

** PhD Candidate of public law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (hamidfeli110h@gmail.com).

حقوق و آزادی‌های اقلیت‌های مذهبی در نظام حقوقی ایران در پرتو قانون اساسی و نظرات شورای نگهبان

احمد تقی زاده *

حمید فعلی **

چکیده

حقوق و آزادی‌های شهروندان در کشورهای مختلف، از مباحث مهم مربوط به حقوق اساسی است. اقلیت‌ها یکی از انواع گروه‌های شهروندان هستند که خود به دسته‌ها و انواع گوناگونی همچون اقلیت‌های دینی، مذهبی، زبانی، نژادی و ... تقسیم می‌شوند. با توجه به اینکه موضوع نقض حقوق اقلیت‌های فوق، احتمالی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت، قانون‌گذار اساسی در بسیاری از کشورها، نسبت به تبیین حقوق و آزادی‌های اقلیت‌های دینی و مذهبی اقدام می‌نماید. در جمهوری اسلامی ایران نیز، قانون‌گذار اساسی، در برخی از اصول قانون اساسی علاوه بر اقلیت‌های دینی به طور خاص به بهره‌مندی اقلیت‌های مذهبی از حقوق و آزادی‌های مختلف، تصریح نموده است. بر این اساس، سؤال این مقاله آن است که کیفیت بهره‌مندی اقلیت‌های مذهبی ایران از حقوق و آزادی‌های مختلف، در مقایسه با بهره‌مندی سایر شهروندان ایرانی از این حقوق و آزادی‌ها چگونه است؟ با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی، این نتیجه به دست آمد که مبتنی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظرات شورای نگهبان و قوانین عادی، اقلیت‌های مذهبی در ایران، همانند سایر شهروندان ایرانی و پیروان مذهب رسمی در سطح هنجارهای حقوقی از حقوق و آزادی‌های بنیادین در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، اداری و استخدامی بهره‌مند هستند.

کلیدواژگان: حقوق و آزادی‌ها، اقلیت‌های مذهبی، قانون اساسی، نظرات شورای نگهبان، بهره‌مندی، محرومیت.

* دانش‌آموخته حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران (نویسنده مسئول)؛

ah.taghizadeh@yahoo.com

** دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران؛ hamidfeli110h@gmail.com

مقدمه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول مختلفی به اقلیت‌های گوناگون پرداخته است و در چارچوب موازین اسلامی حقوقی را به جهت پیش‌بینی امکان وقوع نقض این حقوق در فرآیند اعمال حاکمیت توسط اکثریت جامعه، تضمین کرده است. در خصوص اقلیت‌های دینی و مذهبی نیز مقنن اساسی از این مهم غافل نبوده است، لذا بر شناسایی حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی در اصول ۱۲، ۱۳ و ۱۴ اهتمام ورزیده است. علیرغم اینکه مطابق اصل دوازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مذهب جعفری اثنی‌عشری به عنوان مذهب رسمی از بین مذاهب مختلف اسلامی شناخته شده است، اما توجه مقنن اساسی به حقوق سایر مذاهب اسلامی به نحوی برجسته در این اصل قابل مشاهده است.

به طور کلی می‌توان اصولی را مورد اشاره قرار داد که بر حقوق اقلیت‌ها حاکم هستند؛ به این معنا که حقوق اقلیت‌ها باید با توجه به این اصول، تعیین شود. این اصول عبارتند از: ۱- اصل عدالت. ۲- اصل کرامت انسان. ۳- اصل احسان. ۴- اصل دعوت به پذیرش اسلام. ۵- اصل سلطه نداشتن کافر بر مسلمان. ۶- اصل برخورداری از امنیت جانی و مالی. ۷- اصل به رسمیت شناخته شدن احوال شخصیه اقلیت‌ها (گوهری و زیوری میرزایی، ۱۴۰۰: ۶۲۸-۶۳۱) از بین اصول مربوط به اقلیت‌ها آنچه که با اقلیت‌های مذهبی مرتبط است، در عرصه‌های مختلف حقوق و آزادی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و اداری و استخدامی قابل شناسایی در هر نظام حقوقی است که از جمله در نظام حقوقی ایران نیز در قالب قوانین و مقررات مختلف در هر یک از این حوزه‌ها حقوق و آزادی‌هایی شناسایی شده است.

با توجه به مطالب فوق، مقنن اساسی از یک سو در اصول ۱۹ و ۲۰ برابری مردم ایران اعم از زن و مرد در هر قوم و قبیله را در حقوق مختلف انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با قید رعایت موازین اسلامی مقرر کرده است و از سوی دیگر در اصل دوازدهم قانون اساسی، پنج مذهب از مذاهب اسلامی مورد شناسایی قرار گرفته‌اند و حقوق بنیادین آنها بیان شده است، اما حسب ویژگی ذاتی قانون اساسی که کلی‌گویی و عدم پرداختن به جزئیات امور است، به صورت دقیق و جزئی در این اصل مشخص نشده است که نسبت میان حقوق پیروان مذاهب اسلامی رسمی و حقوق اکثریت شهروندان ایرانی که دارای مذهب شیعه اثنی‌عشری می‌باشند، چیست. بنابراین سؤال اصلی مقاله حاضر این است که کمیت و کیفیت بهره‌مندی اقلیت‌های مذهبی ایران از حقوق و آزادی‌های مختلف در جهت اجرای اصل مزبور، در مقایسه با بهره‌مندی سایر شهروندان ایرانی از این حقوق و آزادی‌ها چگونه است؟

در مقام بیان پیشینه بحث از حقوق اقلیت‌های مذهبی، می‌توان به مقاله آقایان نصرالله زاده و حیدری منش با عنوان رویکرد نظام جمهوری اسلامی به صیانت از حق فرهنگ و آموزش اقلیت‌های دینی و مذهبی، حقوق بشر و شهروندی، اشاره نمود که صرفاً به بیان برخی از حقوق فرهنگی (و نه حقوق اقتصادی، سیاسی و اداری - استخدامی) اقلیت‌های مذهبی و دینی اختصاص یافته است. همچنین می‌توان به مقاله تأملی «ایضاحی - انتقادی - اصلاحی» در اصول و مواد قانونی مربوط به احوال شخصیه اقلیت‌های دینی و مذهبی در حقوق ایران نوشته آقای مصطفی دانش‌پژوه اشاره کرد که صرفاً به موضوع احوال شخصیه اقلیت‌های مذهبی پرداخته و در این راستا نقطه تمرکز خود را بر روی قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲/۰۴/۳۱ کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی گذاشته است. علاوه بر این، می‌توان به مقاله آقایان زارعی و زینی وند و خانم محمدی، با عنوان حقوق اقلیت‌ها از نظر اسناد بین‌المللی، اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد که به موضوع اقلیت‌های دینی و نه مذهبی پرداخته است و برخی از حقوق آنها را در اسناد بین‌المللی، اسلام و قانون اساسی بیان کرده است. این در حالی است که مقاله حاضر، به حقوق اقلیت‌های مذهبی اختصاص یافته است. سرانجام می‌توان به مقاله بررسی حقوق اقلیت‌های دینی از منظر فقه و حقوق موضوعه ایران و بین‌الملل با تأکید بر آزادی عقیده و بیان نوشته آقای تندر اشاره کرد که علی‌رغم عنوان آن، نویسنده صرفاً به آزادی عقیده و بیان اقلیت‌های دینی و نه مذهبی پرداخته است و از این رو با مقاله حاضر که به مجموعه‌ای از حقوق اقلیت‌های مذهبی و نه دینی پرداخته است، تفاوت زیادی دارد.

با توجه به آنچه گذشت، در بخش ابتدایی مقاله حاضر ابتدا مفهوم «اقلیت‌های مذهبی» را در نظام حقوقی ایران بازنمایی نموده و سپس در بخش‌های بعدی ابعاد حقوق و آزادی‌های ایشان را در زمینه‌های مختلف بررسی می‌نماییم. لذا در بخش دوم حقوق فرهنگی و اجتماعی اقلیت‌های مذهبی، در بخش سوم حقوق اقتصادی اقلیت‌های مذکور، در چهارمین بخش، حقوق سیاسی ایشان و در بند پایانی، حقوق اداری و استخدامی آنها مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۱- مفهوم اقلیت‌های مذهبی

جهت شناسایی حدود و ثغور دقیق مفهوم «اقلیت‌های مذهبی»، لازم است ابتدا توجهی به مفهوم «اقلیت» ادبیات حقوقی شود. اقلیت‌ها گروه‌هایی هستند که به لحاظ، دین، مذهب، نژاد، زبان و ... متمایز از اکثریت شهروندان ساکن در یک کشور هستند. برخی از نویسندگان نیز بیان کرده‌اند که اصطلاح اقلیت، افرادی را شامل می‌شود که از جهات مختلف اقتصادی، سیاسی و ... حاکم نبوده و نقش کم‌رنگی را در این مسائل ایفا می‌کنند (زارعی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۹). در تعریفی دیگر پیرامون اقلیت چنین

آمده است: «گروهی که در حاکمیت شرکت نداشته و از نظر تعداد، کمتر از بقیه جمعیت کشور باشند و اعضای آن در عین حالی که تبعه آن هستند، ویژگی‌های متفاوت قومی، مذهبی یا زبانی با سایر جمعیت کشور دارند و دارای نوعی حس وحدت منافع و همبستگی در جهت حفظ فرهنگ، آداب و رسوم، مذهب یا زبان خود هستند» (ترنبری، ۱۳۷۹: ۱۱-۱۲). برخی دیگر از نویسندگان نیز بیان کرده‌اند اصطلاح اقلیت دربرگیرنده آن دسته از گروه‌های انسانی است که در شرایطی حاشیه‌ای و در موقعیتی ناشی از فرودستی کمیتی و در عین حال، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به سر می‌برند (ژرژ، ۱۳۷۴: ۵). اما در خصوص اقلیت مذهبی می‌توان گفت گروهی از افراد هستند که با جمعیتی کمتر از سایر مردم کشور، دارای مذهب و اعتقاداتی متفاوت با سایر اعضای جامعه بوده و برای حفظ آن خصایص و ویژگی‌ها، احساس همبستگی دارند؛ اما در عرصه‌های مختلف به ویژه در اداره جامعه، به صورت مؤثر و با فرصت یکسان همانند اکثریت، مشارکت و حاکمیت ندارند (فضائلی، کرمی و اسدی، ۱۳۹۶: ۱۲۰). به نظر می‌رسد این تعریف از اقلیت‌های مذهبی، تعریف مانعی نباشد و در برگیرنده مفهوم «اقلیت‌های دینی» نیز باشد.

علیرغم خلط مبحث حقوق اقلیت‌های دینی با حقوق اقلیت‌های مذهبی در برخی از آثار و عدم توجه به تفاوت حدود و ثغور حقوق و آزادی‌های این دو دسته از اقلیت‌ها، در اینجا تلاش می‌شود وجه تمایز این دو بیان شود تا در مباحث بعدی از خلط این مباحث جلوگیری شود. بنابراین نکته قابل توجه در خصوص اقلیت‌ها این است که به لحاظ دین و مذهب، اقلیت‌های ایرانی به دو قسم اقلیت‌های دینی و مذهبی تقسیم می‌شوند. با این همه به لحاظ اینکه اقلیت‌های مذهبی، از نظر دینی، با اکثریت شهروندان ایرانی، تابع یک دین (اسلام) محسوب می‌شوند، تفاوت زیادی در برخورداری از حقوق با اکثریت شهروندان ندارند. این در حالی است که تفاوت مذکور، میان اکثریت شهروندان ایرانی و اقلیت‌های دینی، به صورت واضح‌تری قابل مشاهده است.

نتیجه این تفاوت آن است که در برخی موارد حقوق اقلیت‌های مذهبی بیشتر از اقلیت‌های دینی مورد توجه بوده است؛ مانند اینکه در اصل ۱۲ حق مطابقت مقررات محلی با مذهب اسلامی دارای اکثریت در یک منطقه با رعایت حقوق سایر مذاهب شناسایی شده است، اما در مقابل در اصل ۱۳ چنین حقی برای اقلیت‌های دینی شناسایی نشده است. البته ممکن است به نظر برسد که در برخی موارد حقوق اقلیت‌های دینی، بیش از حقوق اقلیت‌های مذهبی مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. برای مثال در خصوص تعیین سهمیه‌ای ویژه از سوی قانون‌گذار اساسی در اصل ۶۴ برای نمایندگان اقلیت‌های دینی در مجلس شورای اسلامی مشاهده نمود و حال اینکه چنین سهمیه‌ای در خصوص نمایندگان

اقلیت‌های مذهبی مقرر نشده است، اما پاسخ آن است که در واقع فرض مقنن یکسان بودن حق اقلیت‌های مذهبی با پیروان مذهب رسمی در کاندید شدن برای نمایندگی بوده است که با توجه به کثرت جمعیت اهل سنت طبعاً مناطق سنی‌نشین نمایندگان خود را به مجلس می‌فرستند. در مجموع می‌توان گفت با توجه به یکسان بودن دین بین مذهب رسمی کشور و سایر مذاهب اسلامی، حقوق و آزادی‌هایی بیشتری نسبت به پیروان سایر ادیان رسمی باید شناخته شود و این نوع از تبعیض را نمی‌توان مصادق تبعیض ناروای موضوع بند ۹ اصل ۳ و خلاف اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی دانست، اما جاری ساختن این روح کلی قانون اساسی در متن قوانین و مقررات موضوعه با موضوعات مختلف، محل سؤال است که در بخش‌های بعدی به آن می‌پردازیم.

۲- حقوق فرهنگی و اجتماعی

به عنوان تعریفی از حقوق فرهنگی می‌توان گفت: هدف از حقوق فرهنگی به عنوان حق‌هایی بشری، تضمین بهره‌مندی از فرهنگ و مؤلفه‌های آن در شرایط برابر با حفظ کرامت بشری به صورت غیر تبعیض‌آمیز است. حقوق فرهنگی، از نظر محتوای هنجاری، دامنه اجرا و قابلیت اجرای قانونی، توسعه نیافته‌ترین حقوق بشری در میان حق‌های بشری است. یکی از دلایل این توسعه نیافتگی، پیوند آشکار تعریف این حق‌ها با مفهوم سیال و متغیر فرهنگ می‌باشد. (فضائلی، ۱۳۹۶: ۱۰ و ۱۴) توسعه نیافتگی فوق، زمانی که با مفهومی به نام اقلیت‌ها همراه می‌شود، نمود شدت بیشتری پیدا می‌کند، به گونه‌ای که می‌توان گفت حقوق فرهنگی اقلیت‌ها با معضل شدید توسعه نیافتگی روبه‌رو شده است.

حقوق اجتماعی نیز حقوقی هستند که به منظور رفع بی‌عدالتی‌های اجتماعی برای افراد مورد شناسایی قرار می‌گیرند (شریعی، ۱۳۸۷: ۱۲۸). البته در معنای عام کلمه اغلب حق‌های بشری جنبه اجتماعی دارند و مثلاً رفع بی‌عدالتی اقتصادی را هم می‌توان نوعی حق اجتماعی دانست، اما مراد ما در این مقام آن دسته از حقوق اجتماعی است که در قالبی فراتر از حقوق خاص اقتصادی، سیاسی و اداری و استخدامی مطرح می‌شوند. بر این اساس، می‌توان برخی از حقوق فرهنگی و اجتماعی اقلیت‌های مذهبی را در این موارد بیان نمود.

۲-۱- برخورداری از احترام کامل

مطابق اصل ۱۲ قانون اساسی، مذاهب اسلامی از قبیل حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی، دارای احترام کامل هستند. سؤال قابل طرح در این زمینه، آن است که مفهوم احترام کامل چیست و شامل چه مواردی می‌شود؟ در پاسخ به این سؤال، می‌توان گفت قانون اساسی برای ایجاد روابط مسالمت‌آمیز و اخوت و برادری بین همه مسلمانان و پرهیز از هرگونه تفرقه‌ای بر رعایت احترام کامل تأکید می‌نماید.

بنابراین، هرگونه سب و لعن و یا توهین و بی‌احترامی نسبت به پیروان مذاهب اسلامی، از لحاظ قانونی ممنوع و خلاف قانون اساسی می‌باشد. از این رو، قانون‌گذار عادی موظف است تا در جهت تحقق حکم مذکور، اقدام به جرم‌انگاری و تعیین مجازات‌های بازدارنده نماید (فتاحی، ۱۳۹۴، ۳۸). بر این اساس برخلاف نظر برخی نویسندگان که معتقدند حکم ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی در خصوص جرم‌انگاری «اهانت به مقدسات اسلام» را نسبت به مقدسات اختصاصی مذاهب اسلامی غیر شیعه که مورد انکار سایر مذاهب است را نمی‌توان جزء مقدسات اسلام دانست، (زراعت، ۱۳۸۱: ۱۶۲) به نظر می‌رسد اطلاق واژه «اسلام» در این ماده شامل مذاهب اسلامی رسمی در اصل ۱۲ نیز می‌شود، اما چنین مجرمی پیرو هر دین و مذهبی باشد هرچند مشمول حکم ساب‌النبی (اعدام) در این ماده نشده، اما قدر متیقن باید بین یک تا پنج سال به حبس محکوم شود. کما اینکه در بند ۵ نظر شماره ۱۳۵۲ مورخ ۱۳۷۴/۱۰/۲ شورای نگهبان در خصوص مواد ۱۷ و ۱۶ لایحه مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۴/۹/۷ مجلس شورای اسلامی، به جهت ذکر نشدن مقدسات اختصاصی شیعه در مصوبه مرحله اول، ذکر شده است که «مناسب آن است که نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام تصریح گردد». لذا افزوده شدن اختصاصات شیعیان به حکم ساب‌النبی حالتی توصیه‌ای داشته است و عدم ذکر آنها لزوماً خلاف شرع نبوده است که می‌توان ترجیح تصریح به آن را بر این معنا تفسیر کرد که همان‌طور که بدون ذکر این اختصاصات واژه اسلام شامل مقدسات اختصاصی شیعیان نیز در صورت عدم تصریح می‌شد شامل مقدسات اهل سنت در صورت عدم تصریح نیز می‌شود، و تصریح در مورد اختصاصات شیعیان به شمول حکم ساب‌النبی بر آن دلالت دارد و عدم تصریح اختصاصات سایر مذاهب اسلامی بر شمول باقی حکم این ماده به جز مجازات ساب‌النبی دلالت دارد.

سؤال دیگر قابل طرح در خصوص احترام به مذاهب اقلیت، این است که مبنای این احترام چیست و به چه دلیل، لازم است تا مذاهب مذکور، از احترام برخوردار باشند؟ در پاسخ به این سؤال، می‌توان به دو احتمال اشاره کرد: ۱- تقیه مداراتی به معنای مدارا، نرمش، خوش‌برخوردی و همزیستی مسالمت‌آمیز با سایر مذاهب و ادیان. ۲- وجوب حسن معاشرت با سایر مذاهب اسلامی و حرمت اهانت و توهین به مقدسات آنها (همان: ۳۱-۳۷).

۲-۲- آزادی در برگزاری مناسک مذهبی

حق برگزاری مراسم و مناسک مذهبی، یکی دیگر از حقوقی است که در دوازدهمین اصل از قانون اساسی مورد تصریح قرار گرفته است. این حق به معنای آن است که به عنوان مثال، پیروان مذاهب اهل

سنت می‌توانند در مساجد خود، پنج نوبت اذان بگویند؛ در ماه مبارک رمضان، نماز تراویح بخوانند و در ایام جشن‌ها و مراسمات مذهبی، مطابق با اعتقادات تاریخی و فقهی خود عمل کنند (یزدی، ۱۳۷۵: ۳۸).

هرچند ممکن است تصور شود که این حق، صرفاً بر آزادی در انجام مراسم مذهبی توسط اقلیت‌های مذهبی دلالت می‌کند، اما می‌توان گفت این حق دلالت بر حق دیگری نیز دارد و آن، آزادی در ساخت و احداث و تعمیر مساجد مختص ایشان است. به بیان دیگر، لازمه اعمال حق انجام مراسم مذهبی، وجود مکانی است که قصد برگزاری این مراسم در آنجا وجود دارد. با این توصیف احداث و تعمیر مکان‌های عبادی اقلیت‌های مذهبی نیز، مجاز خواهد بود.

در خصوص شناسایی حق اقلیت‌های مذهبی نسبت به احداث و توسعه اماکن عبادی جهت برگزاری مناسک دینی و مذهبی در قوانین موضوعه، می‌توان به بند «ث» ماده ۳۷ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ مجلس شورای اسلامی اشاره کرد. هرچند در این ماده، به صورت خاص از مساجد مربوط به اقلیت‌های مذهبی یاد نشده است، اما با توجه به اطلاق واژه «مسجد» می‌توان تمامی احکام مذکور در این بندها که شامل حمایت‌هایی جهت احداث و توسعه اماکن مذهبی به ویژه مساجد است را شامل مساجد مربوط به اقلیت‌های مذهبی نیز دانست. بنابراین، اقلیت‌های مذهبی نیز، نه تنها از حق برگزاری مناسک مذهبی در اماکن دینی برخوردار هستند، بلکه تضمین این حق در مرحله فراهم آوردن مقدمات انجام این مناسک که مهمترین آن تأسیس اماکن مذهبی به ویژه مساجد است، مورد حمایت مقنن نیز قرار گرفته است.

در سطح اجرای قوانین نیز آمار رشد و توسعه اماکن مذهبی اهل سنت پس از انقلاب اسلامی نیز نشان می‌دهد که نه تنها رویکرد نظام اسلامی در جهت در تنگنا قرار ندادن حق برگزاری مناسک دینی مذاهب دیگر نبوده است، بلکه از ترویج و توسعه آنها حمایت نیز شده است. کما اینکه به اذعان امام جمعه اهل سنت سنندج تعداد مساجد اهل سنت پس از انقلاب اسلامی حدود ۴ برابر شده است و از حدود ۴۰۰۰ مسجد در کشور به حدود ۱۷۰۰۰ مسجد رسیده است.^۱

نمونه‌ای از نظرات شورای نگهبان در خصوص ممنوعیت رسمی اعلام کردن سایر مذاهب وجود دارد که دال بر رویه شورا در خصوص احترام به رعایت مناسک دینی حتی در آداب متوفیان اقلیت‌های مذهبی است؛ برای مثال می‌توان به بند ۷-۴ نظر شماره ۹۷/۱۰۲/۸۷۰۸ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۲ شورای

۱- مصاحبه با ماموستا محمد امین راستی، امام جمعه موقت سنندج، مورخ ۱۳۹۷/۹/۲، قابل مشاهده در نشانی زیر:

نگهبان در خصوص لایحه مدیریت بحران کشور اشاره کرد که مقرر کرده است: «عبارت «مذاهب رسمی کشور» مغایر اصل ۱۲ قانون اساسی شناخته شد.» با اصلاح مجلس مبنی بر اینکه «عبارت «و مذهبی موضوع اصول دوازدهم و سیزدهم قانون اساسی» جایگزین عبارت «مذاهب رسمی کشور» می‌شود» ایراد شورا در مورد بند مورد ایراد که مقرر کرده بود وزارت کشور «با همکاری سازمان پزشکی قانونی، نیروی انتظامی و متولیان دینی مذاهب رسمی کشور برای انتقال، تشخیص هویت و تدفین متوفیان ناشی از وقوع بحران با رعایت آداب محلی و مذهبی ایشان اقدام کند» رفع شد که نشان از عدم مخالفت شورا با برابری پیروان سایر مذاهب و ادیان در قانون اساسی با مذهب رسمی کشور در رعایت آداب مذهبی مربوط دارد و تنها شرط شورا رسمی اعلام نکردن این مذاهب و ادیان است.

۲-۳- احوال شخصیه و دعاوی مربوطه در دادگاهها

با توجه به اصل ۱۲ قانون اساسی، روشن می‌شود که احوال شخصیه، جنبه کاملاً شخصی داشته و جزء حقوق فردی به شمار می‌رود و دولت موظف به رعایت آن است. بنابراین، به هنگام بروز مسائل خانوادگی و طرح دعاوی مربوط در دستگاه‌های قضایی، دادگاه‌ها مکلفند به جای قوانین عمومی محاکم، احکام مذهبی شخصی را مورد حکم قرار دهند (ولویون، ۱۳۸۹: ۵۱).

در خصوص احوال شخصیه اقلیت‌های مذهبی، ماده واحد قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲/۰۴/۳۱ کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی، چنین بیان نموده است: «نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده محاکم باید قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان را جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد به طریق ذیل رعایت نمایند: ۱- در مسائل مربوطه به نکاح و طلاق عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که شوهر پیرو آن است. ۲- در مسائل مربوطه به ارث و وصیت عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهب متوفی. ۳- در مسائل مربوطه به فرزندخواندگی عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که پدرخوانده یا مادرخوانده پیرو آن است.»

با عنایت به اینکه شورای نگهبان نسبت به قانون فوق که مصوب قبل از پیروزی انقلاب اسلامی است، ایرادی از جهت عدم مغایرت با شرع نگرفته است، روشن می‌شود که این قانون، از لحاظ اجرایی مشکلی نداشته و مجرا است. با این همه، ابهاماتی در خصوص این قانون وجود دارد که یکی از آنها این است که شمول این قانون نسبت به موردی که صرفاً یکی از طرفین خواهان اجرای قانون مذهبی باشد و طرف دیگر خواهان اجرای قانون رسمی کشوری باشد، مبهم است. ابهام دیگر اینکه به چه دلیل و با چه استدلالی در بندهای سه گانه قانون فوق، قوانین مذهب یا دین شوهر، متوفی یا پدرخوانده و مادرخوانده،

صلاحیت‌دار و حاکم اعلام شده است؟ به تعبیر دیگر، آیا این راه‌حل‌ها با منطق قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران سازگار است؟ (دانش‌پژوه، ۱۳۹۶: ۳۸-۳۹) همچنین در مورد شمول این قانون نسبت به موردی که یکی از طرفین شیعه مذهب و دیگری از اقلیت‌های مذهبی باشد، ابهام وجود دارد. حتی اگر فرض گرفته شود که مصادیق عبارت «مذهب به رسمیت شناخته شده» در این قانون با اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تفسیر می‌شود، با توجه اینکه «مذهب» در قانون مزبور به معنایی اعم از دین و مذهب به کار رفته است و حکم این قانون شامل ایرانیانی است که پیرو ادیان مذکور در اصل ۱۳ قانون اساسی می‌شوند و تنها در برگیرنده مذاهب اسلامی نیست، به نظر می‌رسد در شرایطی که زوج از جمله ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی باشد و زوجه مسلمان باشد، شرعی بودن حکم بند ۱ مزبور به لزوم تبعیت از مذهب زوج، محل تأمل است.

در خصوص دعاوی مربوط به احوال شخصیه اقلیت‌های مذهبی، می‌توان به دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۷۲۰۰۳۷۶ مورخ ۱۳۹۳/۰۵/۰۱ دیوان عالی کشور در رابطه با مطالبه نحله از سوی اقلیت‌های مذهبی با نقض دادنامه فرجام خواهی شده و استناد به قانون رعایت احوال ایرانیان غیر شیعه اذعان داشته «زوجین به حوزه روحانیت (علمیه) احناف خوفاً معرفی تا با ملاحظه شرایط ضمن عقد نکاح و وضعیت زوجین در مورد تعلق نحله یا هر حق دیگری برابر مقررات مذهب زوج نظریه خود را اعلام دارند»^۱. بنابراین، مشاهده می‌شود که دیوان عالی کشور در اجرای وظایف خود، ضمن شناسایی حقوق اقلیت‌های مذهبی، به ضرورت دادرسی مطابق فرهنگ و شرایط فقهی و معنوی متداعیین حکم کرده است.

۲-۴- تعلیم و تربیت دینی

نمونه دیگر در این خصوص، ماده ۸۷ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۴۰۰/۰۳/۲۸ رئیس قوه قضائیه با اصلاحات و الحاقات بعدی می‌باشد که در خصوص حق برخورداری اقلیت‌های مذهبی از تعلیم و تربیت دینی چنین مقرر داشته است: «زندانیان اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توانند یک جلد کتاب مقدس خود را در اختیار داشته باشند. حضور نماینده اقلیت‌های دینی و مذهبی در مؤسسه جهت هدایت و ارشاد، به درخواست زندانی و موافقت رئیس و مسئول حفاظت و اطلاعات مؤسسه با رعایت قوانین و مقررات سازمان، امکان‌پذیر است». از عبارات «اقلیت‌های دینی» و «یک جلد کتاب مقدس» در صدر ماده می‌توان فهمید

۱- برای مشاهده دادنامه دیوان عالی کشور به شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۷۲۰۰۳۷۶ مورخ ۱۳۹۳/۰۵/۰۱، رک: <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/22348>

مراد مقرر گذار در اینجا اقلیت‌های دینی موضوع اصل ۱۳ بوده است و نه اقلیت‌های مذهبی اسلامی، اما در ادامه حضور نماینده اقلیت مذهبی را نیز جهت ارشاد زندانیان به درخواست زندانی مجاز می‌داند. هر چند بهتر آن بود که در صورت تمایل نماینده مذهب مربوطه به حضور بدون درخواست زندانی نیز چنین جوازی داده می‌شد، چه آنکه اغلب به ویژه در جرایم عمدی از مجرم انتظار چنین درخواستی نمی‌رود. همچنین شرط موافقت و مخالفت رئیس و مسئول نیز مطلوب نیست و بهتر آن بود که به صورت اصل بر مجاز بودن با ایجاد امکان مخالفت مسئول مربوطه تنظیم شود.

از نمونه‌های دیگر تضمین حق تعلیم و تربیت اقلیت‌های مذهبی در قالب هنجارهای حقوقی می‌توان به مصوبه ۲۱۹ مورخ ۱۳۶۹/۵/۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی تحت عنوان «ایجاد دانشکده خاص اهل سنت برای تدریس علوم دینی مذاهب مختلف اهل سنت» اشاره کرد که به پیشنهاد مقام معظم رهبری تصویب شده است. همچنین می‌توان به «اساسنامه دبیرستان‌های علوم و معارف اسلامی ویژه اهل سنت» مصوب ۱۳۶۶/۴/۲۵ شورای عالی آموزش و پرورش که طبق ماده ۷ آن اعتقاد به یکی از مذاهب چهارگانه اهل سنت (شافعی، حنفی، مالکی، حنبلی) شرط تحصیل در این مدارس است، اشاره کرد. به علاوه «اساسنامه شورای برنامه ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت کشور» مصوب جلسه ۶۱۳ مورخ ۱۳۸۶/۸/۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی این شورا را طبق ماده ۱ آن زیر نظر شورای نمایندگان ولی فقیه در امور اهل سنت و طبق ماده ۲ آن با هدف تربیت عالمان آگاه، متعهد و متخلق برای انجام وظایف و پاسخ به نیازهای دینی جامعه اهل سنت، ساماندهی امور آموزشی و فرهنگی با تأکید بر آموزش‌های تطبیقی و زبان رسمی کشور، نشر فرهنگ تفریب و وحدت و انسجام اسلامی و ارتقای کیفی مدارس علوم دینی اهل سنت تشکیل داده است.

به عنوان مثالی از آزادی فعالیت‌های مذهبی در جهت تعلیم و تربیت دینی اهل سنت در استان سیستان و بلوچستان می‌توان به فعالیت کانون‌های فرهنگی مساجد اشاره کرد که طبق آمار رسمی در سال ۱۳۹۶ از مجموع ۱۳۶۲ کانون مسجد مشترک بین شیعه و اهل سنت، ۷۲۵ کانون متعلق به شیعیان و ۶۳۷ کانون متعلق به اهل سنت بوده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۷: ۶۵۷) که نسبت به ترکیب جمعیت اهل سنت و شیعه در این استان نسبتی برابر و بدون وجود تبعیض ناروا در زمینه حق تعلیم و تربیت دینی به نظر می‌رسد.

۲-۵- آزادی‌ها و محدودیت‌ها در تبلیغ مذهب

مجلس شورای اسلامی در ماده واحده طرح سرباز روحانی در مناطق اهل سنت «ویژه روحانیون اهل سنت» مصوب ۱۳۸۱/۱۱/۲۷ چنین آورده بود: «از تاریخ تصویب این قانون کلیه وزارخانه‌ها، سازمانها،

نهادهای، ارگانها و مؤسسات عمومی غیردولتی مجاز خواهند بود از طریق ستاد کل نیروهای مسلح حسب نیاز مناطق کشور از طلاب حوزه‌های علمیه اهل سنت مشمول خدمت وظیفه عمومی در مدت خدمت سربازی تحت عنوان سرباز روحانی با رعایت اصل یکصد و چهل و هفتم (۱۴۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران استفاده نمایند مشروط بر آن که به توان و آمادگی رزمی نیروهای مسلح لطمه‌ای وارد نشود». در تبصره ۲ این ماده واحده نیز چنین مقرر شده بود: «در مناطق مختلف کشور حتی الامکان متناسب با ترکیب جمعیتی از نظر مذهب، روحانیون مشمول این طرح درخواست می‌گردند».

شورای نگهبان در نظر شماره ۸۱/۳۰/۲۶۲۵ خود به تاریخ ۱۳۸۱/۱۲/۱۸ در خصوص تبصره فوق، چنین مقرر نمود: «اطلاق تبصره (۲) در مناطقی که پیروان مذهب شیعه هم وجود داشته باشند و استفاده از سرباز روحانی اهل سنت مستلزم تضعیف اعتقادات پیروان تشیع گردد خلاف شرع شناخته شد». با این حال، مجلس شورای اسلامی، اقدامی در جهت اصلاح این تبصره به عمل نیاورد و به این ترتیب، طرح فوق، ماهیت قانونی پیدا نکرد.

نکته قابل توجه در خصوص نظر شورای نگهبان این است که اصل حضور سرباز روحانی از اهل سنت در مناطقی که پیروان مذهب شیعه حضور دارند، ایرادی ندارد، بلکه آنچه ایراد دارد، تضعیف اعتقادات پیروان تشیع به واسطه حضور روحانی اهل سنت است. بنابراین، ظاهراً در صورتی که حضور سرباز روحانی اهل سنت در مناطق شیعه نشین، منجر به تضعیف اعتقادات پیروان مذهب شیعه نشود، حضور وی در این مناطق ایرادی نخواهد داشت. نکته دیگر اینکه مفهوم مخالف نظر شورای نگهبان این است که در مناطقی که قاطبه ساکنین آن را اهل سنت تشکیل می‌دهند و اهل تشیع ساکن آن مناطق نیستند، ولو آنکه استفاده از سرباز روحانی منجر به فعالیت‌های تبلیغ مذهب اهل سنت بشود، استفاده از ایشان با مانع شرعی مواجه نیست، لذا مجلس می‌توانست در مرحله اصلاح مصوبه با مقید کردن مصوبه به این قید، موافقت شورای نگهبان نسسبت به این مصوبه را اخذ می‌نمود.

۲-۶- حق بر آموزش

فصل اول قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۶۶/۱۱/۲۵ مجلس شورای اسلامی به بیان اهداف اساسی وزارت آموزش و پرورش اختصاص یافته است. ماده ۱ این فصل، اولین هدف را «تقویت و تحکیم مبانی اعتقادی و معنوی دانش آموزان از طریق تبیین و تعیین اصول و معارف احکام دین مبین اسلام و مذهب حقه جعفری اثنی عشری بر اساس عقل، قرآن و سنت معصومین (ع)» اعلام نموده است. تبصره ۱ این ماده در مقام بیان استثنایی بر ماده مذکور، چنین مقرر داشته است: «وزارت آموزش و پرورش موظف است طبق اصل ۱۲ قانون اساسی در مناطقی که پیروان دیگر مذاهب

اسلامی سکونت دارند تربیتی اتخاذ نماید که آموزش تعلیمات دینی دانش آموزان مطابق فقه مذهب آنان باشد». با این توصیف، روشن می‌شود که اقلیت‌های مذهبی از حق بر آموزش به عنوان یکی از حقوق خود بهره‌مند شده‌اند؛ چرا که در صورت عدم تضمین چنین حقی ممکن بود شرایطی بروز کند که والدین در خانواده‌های اهل سنت از فرستادن فرزندان خود به مدارس جهت بهره‌گیری از سایر مسایل آموزشی نیز خودداری کنند.

علاوه بر این گفتنی است وزارت آموزش و پرورش کتاب‌هایی را با عنوان ضمیمه کتاب هدیه‌های آسمانی یا ضمیمه کتاب دین و زندگی ویژه اهل سنت چاپ و منتشر کرده است که در آنها، معارف ویژه اهل سنت با توجه به فقه آنها تهیه و تألیف شده است. همچنین در مدارس مناطقی که از حیث جمعیت تعداد قابل توجهی از دانش آموزان از اقلیت‌های مذهبی باشند، کلاس معارف ویژه آنها تشکیل می‌شود (نصرالله زاده و حیدری منش، ۱۳۹۶: ۱۹۴). بنابراین می‌توان گفت حق بر آموزش اقلیت‌های مذهبی تضمین شده است.

۳- حقوق اقتصادی

حقوق اقتصادی مجموعه قواعدی است که موضوع آن، فعالیت اقتصادی در مفهوم وسیع آن می‌باشد. در این نگاه، قواعد مربوط به فعالیت عاملین اقتصادی، سازماندهی بازارهای محصولات و خدمات، بازارهای مالی، توزیع ثروت و مجازات رفتارهای اقتصادی زیان‌آور مورد توجه خاص قرار می‌گیرد (قاسمی حامد، ۱۳۹۴: ۴۷). در تعریف دیگر نیز، چنین آمده است: «حقوق اقتصادی مجموعه قواعدی است که به بنگاه‌ها، ساختار و عملکرد داخلی آنها، روابط بین بنگاه‌ها با یکدیگر و با دولت مربوط می‌شود» (همان: ۴۶). حقوق اقتصادی اقلیت‌های مذهبی را در زمینه‌های مختلفی می‌توان مورد بررسی قرار داد که در ادامه به برخی از این موارد پرداخته می‌شود.

۳-۱- برخورداری از معافیت‌ها

مطابق بند الف ماده ۱۳۹ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۰۳ مجلس شورای اسلامی: «موقوفات، نذورات، پذیره، کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیرنقدی آستان قدس رضوی، آستان حضرت عبدالعظیم الحسنی (ع)، آستانه حضرت معصومه (س)، آستان حضرت احمد ابن موسی (ع) «شاه چراغ»، آستان مقدس حضرت امام خمینی (ره)، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا و سایر بقاع متبرکه از پرداخت مالیات معاف است. تشخیص سایر بقاع متبرکه به عهده سازمان اوقاف و امور خیریه می‌باشد». همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این ماده، به معافیت موقوفات، نذورات و... مربوط به اقلیت‌های مذهبی تصریح نشده است. این در حالی است که بند «ک» همین ماده در رابطه با موقوفات و... مربوط

به اقلیت‌های دینی، چنین مقرر داشته است: «موقوفات و کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیرنقدی انجمن‌ها و هیأت‌های مذهبی مربوط به اقلیت‌های دینی مذکور در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مشروط بر این که رسمیت آنها به تصویب وزارت کشور برسد، از پرداخت مالیات معاف است». بنابراین، می‌توان گفت قانون‌گذار عادی در رابطه با تصریح به معافیت موقوفات، نذورات و ... مربوط به اقلیت‌های مذهبی از مالیات، اهمال و غفلت نموده است و به این سبب مشخص نیست که آیا موارد فوق، از معافیت مالیاتی برخوردار هستند یا خیر. با این همه به نظر می‌رسد لفظ «مساجد» با توجه به اطلاقی که دارا می‌باشد، شامل مساجد مربوط به اقلیت‌های مذهبی نیز بشود. احتمال دیگر آن است که مراد مقنن از انجمن‌های اقلیت‌های دینی اعم از اقلیتهای مذهبی و دینی باشد، کما اینکه در اصل ۲۶ قانون اساسی فعالیت انجمن‌های اسلامی و اقلیت‌های دینی شناخته شده آزاد مقرر شده است. با این حال عدم تصریح به معافیت هدایا و ... به انجمن‌های و هیئت‌های مذاهب اسلامی اعم از شیعه و سنی در حالی که برای اقلیت‌های دینی تصریح شده است، حتی تبعیضی به نفع اقلیت‌های دینی بوده است. مورد دیگری که می‌توان از آن یاد کرد، معافیت از لزوم پرداخت حق بیمه سهم کارفرما توسط مساجد اقلیت‌های مذهبی است. در این خصوص، تبصره ۳ ماده ۵ قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۶/۰۸/۰۹ (اصلاحی ۱۳۹۳/۰۹/۱۶) چنین بیان نموده است: «مراکز دینی از قبیل مساجد و تکایا، حسینیه‌ها و دارالقرآن‌ها از پرداخت سهم کارفرما معاف بوده و سهم کارفرما از محل ماده (۵) قانون تأمین می‌شود». همان‌طور که مشخص است، لفظ «مساجد»، مطلق بوده و شامل مساجد اقلیت‌های مذهبی نیز می‌شود و بر این اساس، مساجد اقلیت‌های مذکور، از پرداخت حق بیمه سهم کارفرما معاف هستند.

نکته جالب و قابل توجه در خصوص این تبصره که حکایت از نظر موافق شورای نگهبان با معافیت مذکور نسبت به مساجد و مراکز تبلیغی مربوط به اقلیت‌های مذهبی دارد، آن است که شورای نگهبان در بررسی مصوبه اولیه مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۱۳۹۳/۰۶/۰۲ به تصویب رسید، در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۰۰۲ مورخ ۱۳۹۳/۰۶/۱۹ خود چنین اظهار داشت: «در تبصره ۴ ماده ۵ اصلاحی، عبارت «مراکز مذهبی اقلیت‌های دینی» با توجه به اینکه مصادیق مراکز دینی و تبلیغی مسلمانان به نحو روشن مشخص شده است، ابهام دارد». ^۱ شورای نگهبان با ابهام مذکور، این نکته را بیان نموده است که معافیت مذکور در این تبصره، صرفاً باید به مراکز دینی و تبلیغی مسلمانان اختصاص داشته باشد و از این رو، شامل مراکز دینی و تبلیغی غیرمسلمانان نخواهد شد. بنابراین، از نگاه شورای نگهبان، لازم بود

۱- برای مشاهده نظر شورای نگهبان در این خصوص، ر. ک: <https://b2n.ir/y96032>

تا از عبارت «مراکز مذهبی اقلیت‌های دینی»، رفع ابهام شود. مجلس شورای اسلامی در مقام رفع ابهام شورای نگهبان، در مصوبه مورخ ۱۳۹۳/۰۷/۱۶ خود، مصادیق مراکز دینی را با عبارت «از قبیل مساجد و تکایا، حسینیه‌ها و دارالقرآن‌ها»، مشخص نمود که در این مرحله، با ایرادی از سوی شورای نگهبان روبه‌رو نشد.^۱

البته قانون مذکور، مجدداً در تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۰۵، از سوی مجلس شورای اسلامی مورد اصلاح قرار گرفت و متن تبصره ۱ ماده ۵ قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی، بدین شکل به تصویب رسید: «ساخت و سازه‌های مساجد، حسینیه‌ها و خانه‌های عالم از پرداخت حق بیمه موضوع این قانون معاف است». این اصلاح نیز که در تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۸ به تأیید شورای نگهبان رسید،^۲ نشان‌دهنده این حقیقت است که اولاً معافیت‌های مذکور در قانون مورد اشاره، شامل مراکز دینی مربوط به اقلیت‌های دینی نشده و ثانیاً علاوه بر شمول نسبت به مراکز دینی و تبلیغی شیعیان، شامل مراکز دینی و تبلیغی اقلیت‌های مذهبی نیز خواهد شد؛ زیرا در غیر این صورت، شورای نگهبان به اطلاق متن تبصره ۱ ایراد گرفته و خواستار محدود شدن آن به مراکز دینی و تبلیغی اکثریت شهروندان شیعه می‌شد.

معافیت اقتصادی دیگری که می‌توان ذکر کرد، در تبصره ماده ۹۵ قانون برنامه ششم توسعه است که اینگونه مقرر کرده است: «تبصره - مساجد، مصلی‌ها، اماکن صرفاً مذهبی اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی و حوزه‌های علمیه شامل مراکز آموزشی، پژوهشی و اداری از پرداخت هزینه‌های حق انشعاب آب، برق، گاز و فاضلاب و عوارض ساخت و ساز فقط برای فضای اصلی معاف می‌باشند». طبعاً طبق استدلال‌هایی که پیش از در مورد شمول اطلاق مساجد به مساجد اهل سنت ذکر شد، این معافیت شامل اهل سنت هم می‌شود.

۳-۲- حق فعالیت اقتصادی مطابق با مذهب خود

اصل ۴۶ قانون اساسی پیرامون مالکیت اشخاص نسبت به حاصل کسب و کار خود، چنین مقرر داشته است: «هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند». مطابق این اصل، هر شخص نسبت به حاصل کار خود، مالکیت داشته و هیچ کس نمی‌تواند امکان کسب و کار را از دیگر سلب نماید. روشن است که عمومیت عبارت «هر کس» شامل اقلیت‌های مذهبی نیز شده و ایشان نیز همانند اکثریت شهروندان شیعه مذهب، از حقوق مذکور در این اصل برخوردار هستند.

۱- برای مشاهده نظر شورای نگهبان در این زمینه، ر. ک: <https://b2n.ir/y97471>

۲- جهت مشاهده اظهار نظر شورای نگهبان در این خصوص، ر. ک: <https://b2n.ir/d75078>

در قوانین عادی نیز، می‌توان شناسایی عام این حق را از سوی قانون‌گذار مشاهده نمود. به عنوان مثال، تبصره ۴ ماده ۱ قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار مصوب ۱۴۰۰/۱۲/۲۴ چنین مقرر داشته است: «وضع هر گونه محدودیت و مانع در مسیر صدور مجوز، که خارج از چهارچوب این قانون باشد به دلایلی از قبیل اشباع بازار، محدودیت ظرفیت و حدود صنفی یا بر اساس تعداد و یا فاصله جغرافیایی دارندگان و یا متقاضیان آن مجوز، ممنوع است. در صورت محدودیت منابع طبیعی یا محیط زیستی، وضع محدودیت جدید به تشخیص نهادهای ذی‌ربط، منوط به تأیید هیأت مقررات‌زدایی و بهبود محیط کسب و کار و با تصویب هیأت وزیران مجاز است و تا قبل از تصویب هیأت وزیران محدودیت جدید نافذ نخواهد بود». با عنایت به مفاد این تبصره روشن می‌شود که تضمین مذکور در آن، شامل اقلیت‌های مذهبی نیز شده و ایشان نیز از این حق برخوردار خواهند بود.

۳-۳- برابری با پیروان مذهب رسمی در بهره‌برداری از منابع طبیعی و درآمدهای ملی

مطابق اصل ۴۸ قانون اساسی، «در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد، به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد».

اصل فوق به این موضوع تصریح نموده است که هیچ‌گونه تبعیضی نباید در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی باشد. با توجه به اینکه منع تبعیض مذکور، اطلاق دارد، شامل اقلیت‌های مذهبی نیز شده و بر این اساس، اقلیت‌های مذهبی نیز در برخوردارگی از منابع طبیعی و درآمدهای ملی، دارای حقی مساوی با اکثریت شهروندان شیعه مذهب خواهند بود.

نکته قابل توجه اینکه به عنوان نمونه، در قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی مصوب ۱۳۴۶/۰۵/۲۵ که بارها مورد اصلاح قرار گرفته، نمی‌توان به نمونه‌ای از اختصاص بهره‌برداری از منابع طبیعی به اکثریت شهروندان شیعه دست یافت؛ بلکه عبارات به کار رفته در این قانون، به گونه‌ای است که شامل تمامی شهروندان می‌گردد. به عنوان مثال، می‌توان به ماده ۳ این قانون اشاره کرد که چنین مقرر داشته است: «بهره‌برداری از منابع مذکور در ماده ۳ توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی در هر مورد، طبق طرحی بعمل خواهد آمد که بتصویب وزارت منابع طبیعی رسیده باشد و وزارت منابع طبیعی با رعایت مفاد طرح‌های مصوب قرارداد لازم را تنظیم و پروانه بهره‌برداری صادر خواهد نمود».

به عنوان نمونه‌ای دیگر در این زمینه، می‌توان به ماده ۵ قانون معادن مصوب ۱۳۷۷/۰۳/۲۳ با اصلاحات بعدی اشاره نمود که در آن، چنین آمده است: «اکتشاف ذخایر معدنی توسط اشخاص حقیقی

و حقوقی مجاز انجام می‌شود. وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است بستر لازم را برای اکتشاف ذخایر معدنی در سراسر کشور برای اشخاص حقیقی و حقوقی فراهم کند. همان‌گونه که روشن است، اکتشاف ذخایر معدنی، در اختیار اکثریت شهروندان شیعه مذهب قرار نگرفته است، بلکه با توجه به اطلاق عبارت «اشخاص حقیقی و حقوقی» شامل اقلیت‌های مذهبی نیز می‌شود.

۴- حقوق سیاسی

حقوق سیاسی عبارت است از حقوقی که امکان مشارکت مردم را در تصمیمات عمومی کشور با تشکیل احزاب سیاسی و برگزاری انتخابات فراهم می‌سازد. شهروندی سیاسی نیز این امکان را فراهم می‌سازد تا هر یک از شهروندان، امکان دسترسی مستقیم به موقعیت‌های سیاسی در مقام رهبری احزاب، دولت یا سایر حلقه‌های قدرت را به دست آورند (احمدی سفیدان و کاظمی‌زاد، ۱۳۹۸: ۳۶۴).

به عنوان تعریفی دیگر از حقوق سیاسی می‌توان گفت حقوق سیاسی عبارت است از مشارکت همه‌جانبه مردم در تصمیمات عمومی کشور از طریق تحزب‌گرایی و انتخابات، به صورتی که هر یک از شهروندان، امکان دسترسی مستقیم به موقعیت‌های سیاسی و قدرت را به صورت برابر دارند (شربتیان، ۱۳۸۷: ۱۳۰). بر این اساس، برخی از حقوق سیاسی که اقلیت‌های مذهبی از آنها بهره‌مند می‌باشند، ارائه می‌شود.

۴-۱- حق مشارکت در انتخابات

۴-۱-۱- حق انتخاب شدن

مطابق اصل ۶۴ قانون اساسی، «عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی دوپست و هفتاد نفر است و از تاریخ همه‌پرسی سال یکهزار و سیصد و شصت و هشت هجری شمسی پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها حداکثر بیست نفر نماینده می‌تواند اضافه شود. زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند. محدوده حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان را قانون معین می‌کند».

نکته قابل توجهی که می‌توان از این اصل برداشت نمود، این است که قانون‌گذار اساسی، تفاوتی را میان اقلیت‌های مذهبی و اکثریت شهروندان شیعه مذهب ایرانی در حق انتخاب شدن قائل نشده است. مؤید این ادعا آن است که در این اصل، صرفاً حد نصاب خاصی برای انتخاب اقلیت‌های دینی مشخص

شده است و در مورد اقلیت‌های مذهبی، هیچ حد نصابی نه در این اصل و نه در سایر اصول قانون اساسی، تعیین نگردیده است. بر این اساس، اقلیت‌های مذهبی ساکن در ایران همانند اکثریت شهروندان شیعه مذهب، از حق انتخاب شدن برخوردار هستند (قاسمی، ۱۳۸۲: ۸۶۶).

مضاف بر اینکه بند ۱ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۰۹/۰۷ مجلس شورای اسلامی، «اعتقاد و التزام عملی به اسلام» را بدون ذکر مذهب خاصی مقرر داشته است. به این ترتیب، تمامی نمایندگان اهل سنت به هر تعداد و در هر کجای ایران که باشند، در صورت انتخاب شدن توسط مردم، قادر به احراز منصب نمایندگی مجلس شورای اسلامی خواهند بود.

در خصوص نمایندگی مجلس خبرگان رهبری نیز، وضعیت به همین صورت است؛ زیرا قانون‌گذار اساسی، تبیین شرایط مربوط به نمایندگان این مجلس را به قانون مصوب فقهای شورای نگهبان و پس از آن، اعضای مجلس مذکور، واگذار نموده است. در ماده ۳ قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری مصوب ۱۳۵۹/۰۷/۱۰ نیز، هیچ شرطی مبنی بر لزوم تشیع داوطلبان عضویت در مجلس خبرگان درج نشده است. از این رو در حال حاضر، تعدادی از نمایندگان عضو این مجلس، از مذاهب اهل سنت می‌باشند.^۱

عضویت در شوراهای شهر و روستا نیز منوط به برخورداری منتخبین از مذهب تشیع نشده است. ماده ۳۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۱ با اصلاحات بعدی، صرفاً به پنج شرط تابعیت، حداقل سن ۲۵ سال، اعتقاد و الزام عملی به اسلام و ولایت مطلقه فقیه، ابراز وفاداری به قانون اساسی و دارا بودن مدرک تحصیلی تصریح نموده است.

نکته شایان توجه، موضوع لزوم شیعه بودن رئیس جمهور در قانون اساسی است که ممکن است شبهه تبعیض نسبت به اقلیت‌ها را به اذهان متبادر کند. مطابق اصل ۱۱۵ قانون اساسی که به شرایط و صلاحیت‌های رئیس جمهور به منزله بالاترین مقام اجرایی بعد از رهبری اشاره دارد، یکی از شرایط را اعتقاد و ایمان به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور بر می‌شمارد که مطابق آن، رئیس جمهور باید از نظر مذهبی، پیرو مذهب شیعه اثنی عشری باشد. بند ۱ ماده ۳۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۰۴/۰۵ نیز، به شرط «رجال مذهبی» تصریح نموده است. شورای نگهبان نیز در بند ۱ از ماده ۱ مصوبه خود مربوط به تعریف، معیارها و شرایط لازم برای تشخیص رجل

۱- برای مشاهده اسامی و مشخصات نمایندگان عضو مجلس خبرگان رهبری، ر. ک:

<http://www.majlesekhobregan.ir/fa/MajlesMember/List?CategoryItemID=1006>

سیاسی، مذهبی و مدیر و مدبر بودن نامزدهای ریاست جمهوری که در تاریخ ۱۴۰۰/۰۲/۱۱ جهت اجرا به وزارت کشور ابلاغ شد، در جهت تبیین مفهوم رجال مذهبی چنین آورده است: «رجال مذهبی، رجالی هستند که آگاهی لازم به دین اسلام و مذهب تشیع داشته و تدبیر و تقیدشان به انجام شاعر و مناسک دینی در زندگی فردی و اجتماعی از برجستگی ویژه‌ای برخوردار باشد، به گونه‌ای که در میان مردم به این خصوصیت، شناخته و مشهور باشند».

در خصوص این موضوع، باید به این نکته عنایت داشت که بیان رسمیت اسلام و شیعه اثنی عشری در اصل ۱۲ قانون اساسی، تأسیس جدیدی نیست، بلکه به منزله واقعیت اعتقادی و اجتماعی، در قوانین مذکور منعکس شده است و حفظ این میراث، طبعاً خواست اکثریت ملت ایران است. به همین جهت است که رئیس جمهور که نمایندگی قاطبه ملت را بر عهده دارد، اولاً باید مؤمن و معتقد به مذهب رسمی کشور باشد و ثانیاً در آغاز کار سوگند یاد کند که پاسدار مذهب رسمی کشور باشد. (هاشمی، ۱۳۹۲: ۱۵۲)

نمونه‌ای دیگر از نظر شورای نگهبان نشان می‌دهد که برداشت این شورا از قید رسمی بودن مذهب تشیع به معنی فقدان صلاحیت پیروان سایر مذاهب اسلامی و حتی سایر ادیان برای انتخاب شدن و عضویت در مجامع و هیئت مدیره‌های سازمان‌ها و نهادهایی که به موجب انتخابات اعضای آنها انتخاب می‌شوند، نیست. بلکه تنظیم متون قوانین موضوعه در حدی که ناقض قید رسمی بودن مذهب تشیع در کشور را نداشته باشد، برای تأمین مقصود اصل ۱۲ کفایت می‌کند. برای مثال می‌توان به بند ۵ ماده ۲۲ قانون ایجاد سازمان نظام پرستاری جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۰/۹/۱۱ مجلس شورای اسلامی و تبصره ۱ آن اشاره کرد که اینگونه مقرر کرده است: «ماده ۲۲- شرایط انتخاب شوندگان هیأت‌های مدیره نظام پرستاری شهرستانها و شورای عالی نظام پرستاری به شرح زیر است:

۱- ...

۵- التزام عملی به اسلام و پایبندی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

تبصره ۱- اقلیتهای دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تابع احکام دین اعتقادی خود می‌باشند مشروط به این که تجاهر به نقض احکام اسلامی را ننمایند.» در مرحله تصویب این قانون بندهای ۱ و ۲ نظر شماره ۸۰/۲۱/۲۵۶۰ مورخ ۱۳۸۰/۸/۱۷ شورای نگهبان اینگونه مقرر کرده بود: «۱- بند (۵) ماده (۲۲) از این جهت که اطلاقش شامل اقلیتهایی می‌شود که نقض احکام اسلامی می‌نمایند خلاف شرع شناخته شد.

۲- با توجه به کلمه «رسمیت» در تبصره (۱) ماده (۲۲) از این جهت که دین رسمی ایران اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است این تبصره مغایر اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی شناخته شد. همان‌طور که در قانون نهایی مشاهده می‌شود با افزوده شدن قید «التزام عملی به اسلام» به بند ۵ و حذف کلمه «به رسمیت» از عبارت «اقلیتهای دینی به رسمیت شناخته شده» در تبصره ۱ مزبور، ایراد شورای نگهبان رفع شده است. بنابراین با وجود اینکه اسلام در بند ۵ مقید به شیعه اثنی عشری نشده است، اطلاقش شامل مذاهب اسلامی دیگر شده و دیگر مورد ایراد شورای نگهبان نبوده است و تنها آنجا که در تبصره ۱ شائبه رسمیت بخشیدن به ادیان و مذاهب دیگر بوده است، متوجه ایراد شورا بوده است و اینجا نیز تنها ایراد مغایرت با اصول ۱۲ و ۱۳ وارد شده است و ایراد مغایرت با شرع وارد نشده است.

۲-۱-۴- حق انتخاب کردن

در خصوص حق بر انتخاب کردن، ممنوعیتی برای حضور اقلیت‌های مذهبی در هیچ یک از انواع انتخابات‌ها وجود ندارد. به عنوان مثال، ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، صرفاً به سه شرط تابعیت، عاقل بودن و برخوردار بودن از ۱۸ سال تمام تصریح کرده است. قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران نیز در ماده ۳۶ خود، صرفاً به سه شرط مذکور تصریح نموده است؛ البته با این تفاوت که به جای عاقل بودن، از «عدم جنون» یاد کرده است. ماده ۴ قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری نیز صرفاً به دو شرط تابعیت و دارا بودن ۱۸ سال سن تصریح نموده است. ماده ۲۹ قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران نیز، صرفاً به سه شرط تابعیت، حداقل سن ۱۸ سال و سکونت در محل اخذ رأی تصریح نموده و اشاره‌ای به نوع مذهب انتخاب‌کنندگان ننموده است.

۴-۲- مشارکت در همه‌پرسی

همه‌پرسی یکی از شیوه‌های اعمال دموکراسی مستقیم و نظرخواهی از ملت است. در این شیوه، به صورت مستقیم، رأی و نظر مردم دریافت می‌شود. همه‌پرسی به سه گونه اساسی، سیاسی و تقنینی تقسیم می‌شود. همه‌پرسی اساسی پیرامون تصویب قانون اساسی یا بازنگری در آن می‌باشد، همه‌پرسی سیاسی در خصوص اظهار نظر ملت در رابطه با نظام سیاسی حاکم بر کشور می‌باشد و همه‌پرسی تقنینی پیرامون وضع قانون از طریق نظرخواهی از مردم است (طحان‌نظیف و ممتازنیا، ۱۳۹۸: ۴۲۴-۴۲۶).

قانون اساسی در خصوص شرایط شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی‌های فوق، شرایطی را مشخص ننموده است، اما در رابطه با موضوع همه‌پرسی، دو قانون عادی وضع شده است. قانون نخست توسط شورای انقلاب و در تاریخ ۱۳۵۸/۰۸/۲۰ با عنوان لایحه قانون همه‌پرسی قانون اساسی جمهوری اسلامی

ایران وضع شده بود. در ماده ۴ این لایحه قانونی، صرفاً به سه شرط تابعیت، برخورداری از ۱۶ سال و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی تصریح شده بود. قانون دوم در تاریخ ۱۳۶۸/۰۴/۰۴ و توسط مجلس شورای اسلامی و با عنوان قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی ایران وضع شده است. ماده ۱۴ این قانون به تبیین شرایط رأی‌دهندگان اختصاص یافته است. در این ماده به سه شرط تابعیت ایران، ورود به سن ۱۶ سال و عدم جنون تصریح شده است.

بنابراین همان‌گونه که روشن است، نه در قانون اساسی و نه در دو قانون دیگر، سخنی از محرومیت اقلیت‌های مذهبی به میان نیامده است و از این رو، ایشان می‌توانند بدون هیچ‌گونه منعی، در هر یک از انواع سه‌گانه همه‌پرسی شرکت نموده و رأی خود را به صندوق اخذ آرا بیاندازند.

۴-۳- تابعیت

اصل ۴۱ قانون اساسی، حق تابعیت را بدین نحو تبیین نموده است: «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید». با توجه به عبارت عام «هر فرد ایرانی»، روشن می‌شود که تابعیت ایران، اختصاص به اکثریت شهروندان شیعه مذهب آن نداشته و شامل اقلیت‌های مذهبی نیز می‌شود. بنابراین تکلیفی که در ادامه اصل بیان شده و آن، عدم امکان سلب تابعیت از شهروندان ایرانی است، شامل اقلیت‌های مذهبی نیز می‌شود و دولت، نمی‌تواند تابعیت ایشان را سلب نماید، مگر با تحقق یکی از دو شرطی که در متن اصل بیان شده است.

ماده ۹۷۶ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۰۱/۲۰ در مقام شمارش افرادی که تبعه ایران محسوب می‌شوند، چنین بیان نموده است: «اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند:

- ۱- کلیه ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آنها مسلم باشد. تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد.
- ۲- کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از این که در ایران یا در خارجه متولد شده باشند.
- ۳- کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشند.
- ۴- کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند.
- ۵- کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به هجده سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند والا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است.
- ۶- هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند.

۷- هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد.

با توجه به مفاد ماده فوق روشن می‌شود که تابعیت ایران، اختصاص به اکثریت شهروندان شیعه مذهب نداشته و اقلیت‌های مذهبی نیز از آن برخوردار هستند و در نتیجه، تمامی مزایایی که از این مقوله ناشی می‌شود، به ایشان نیز تعلق خواهد گرفت.

۵- حقوق اداری و استخدامی

حقوق اداری عبارت است از بررسی مجموعه‌ای از قواعد و مقرراتی که:

- ۱- سازمان‌ها و تشکیلاتی که به کمک آنها مقامات عمومی برای مجموع شهروندان نظم و امنیت را تأمین می‌نمایند و خدماتی را که مردم از آنها انتظار دارند، برآورده می‌سازد.
- ۲- تعیین اقتدارات و اختیاراتی که به اعتبار وظایف فوق، مأموران دولتی باید دارا باشند و همچنین تعیین حدود این اختیارات به منظور حمایت از شهروندان در مقابل خودکامگی سازمان‌های اداری. دو نتیجه بر این تعریف مترتب است: از یک طرف شناختن اختیاراتی است برای اداره در جهت تأمین منافع و نیازمندی عمومی و از طرف دیگر، حمایت از آزادی‌های اساسی شهروندان در مقابل تجاوزات مأموران اداری؛ یعنی از طرفی اداره باید تحرک و قدرت کافی داشته باشد و از طرف دیگر، باید از گرایش آن به سوی تعدی به شهروندان جلوگیری به عمل آید (امامی و استوارسنگری، ۱۳۸۸، ۲۲).

۵-۱- حق بر استخدام شدن

مطابق اصل ۲۸ قانون اساسی، «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید». عمومیت عبارت «هر کس» در این اصل، دلالت بر آن دارد که تمامی شهروندان ایرانی فارغ از دین و مذهبشان، از حق بر اشتغال برخوردار هستند. ابهام قابل طرح این است که برگزیدن شغل در بخش خصوصی، نکته خاصی ندارد و اقلیت‌های مذهبی نیز طبیعتاً از این حق برخوردار هستند، اما آیا اقلیت‌های مذکور، از حق استخدام در بخش دولتی نیز برخوردار هستند و در این زمینه، محدودیتی برای ایشان وجود ندارد؟ در این رابطه گفتنی است واژه «اشتغال» در اصل ۲۸ قانون اساسی، واژه‌ای مطلق بوده و هم شامل اشتغال در بخش خصوصی و هم اشتغال در بخش دولتی می‌شود. بنابراین، اقلیت‌های مذهبی از حق استخدام در بخش دولتی بهره‌مند هستند.

قانون‌گذار عادی در ماده ۴۲ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۰۷/۰۸، به تبیین شرایط عمومی استخدام در دستگاه‌های اجرای پرداخته است. بند ح این ماده، یکی از شرایط را «اعتقاد به دین مبین اسلام یا یکی از ادیان شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» بیان نموده است. بر این اساس، از آنجا که واژه «اسلام» مطلق بوده و شامل معتقدین به تمامی مذاهب تشیع و تسنن می‌شود، بنابراین، ممنوعیتی از جهت استخدام اقلیت‌های مذهبی در بخش دولتی وجود نخواهد داشت.

با عنایت به اینکه قانون فوق از سوی شورای نگهبان مورد تأیید قرار گرفته و به تعبیر دیگر، این شورا، قانون فوق را مغایر با شرع و قانون اساسی تشخیص نداده است، بنابراین از نگاه شورای نگهبان، استخدام اقلیت‌های مذهبی در بخش دولتی فاقد ایراد است. یکی از مصادیق دیگری که می‌توان نظر صریح شورای نگهبان مبنی بر جواز استخدام اقلیت‌های دینی را در آن مشاهده نمود، مربوط به نظر شماره ۸۲/۳۰/۶۸۰۳ مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۰۴ این شورا در خصوص لایحه استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۲۳ کمیسیون مشترک اجتماعی، امنیت ملی و سیاست خارجی و برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی است.

برای توضیح می‌توان گفت در بند الف ماده ۱۶ لایحه فوق، یکی از شرایط عمومی استخدام کارکنان پایور و پیمانی نیروی انتظامی، «اعتقاد به دین مبین اسلام و یا به ادیان رسمی مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، ذکر شده بود. شورای نگهبان در بند ۱ اظهار نظر خود، پیرامون این بند، چنین بیان نمود: «... اطلاق بند (الف) از این نظر که می‌تواند موجب نیل غیرمسلمان به مراتبی از فرماندهی شود که تقید به اسلام در آن شرط است، خلاف شرع شناخته شد...». با عنایت به این عبارت، روشن می‌شود که از نگاه شورای نگهبان، لازمه نیل به مراتبی از فرماندهی در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، تدین به دین اسلام است و اعتقاد به ادیان دیگر، کافی نیست. نکته دومی که می‌توان از اظهار نظر شورای نگهبان برداشت نمود، این است که اقلیت‌های مذهبی به دلیل اینکه متدین به دین اسلام هستند، مجاز می‌باشند تا به مراتبی از فرماندهی که در آنها تقید به اسلام شرط است، دست یابند و به تعبیر دیگر، دستیابی به این مراتب، منحصر در اعتقاد به مذهب شیعه نیست. حتی بالاتر از شورای نگهبان، شاهد مثال جواز برخورداری اقلیت‌های مذهبی از این حق را می‌توان در انتصاب فرمانده نیروی ارتش

جمهوری اسلامی ایران توسط مقام معظم رهبری مورخ ۱۴۰۰/۵/۲۶ مشاهده کرد که مورد قدردانی برخی از علمای اهل سنت^۲ و فراکسیون اهل سنت در مجلس^۳ نیز قرار گرفت.

۵-۲- برابری در حقوق و مزایا و سایر امتیازهای استخدامی

در مورد حقوق و مزایای استخدامی نیز قوانین و مقررات موضوعه پیروان مذاهب رسمی را بعضاً به صراحت مورد شناسایی قرار داده‌اند و بعضاً اطلاق احکام قانونی شامل آنها نیز می‌شود و نیازی به تصریح برای شمول حکم قانون در مورد ایشان نبوده است. برای مثال در ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده ۶۶ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۹/۰۲/۱۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی تصریح شده است. در این ماده هم محاسبه حقوق و مزایای تحصیل‌کردگان حوزه‌های علمیه اهل سنت برابر با تحصیل‌کردگان حوزه‌های علمیه تشیع لحاظ گردیده است و هم تنظیم مقررات استخدامی به نهاد ذی‌صلاح متشکل از اشخاص واجد صلاحیت اهل سنت سپرده شده است.

مورد دیگری که از امتیازهای استخدامی می‌توان ذکر کرد که در نظرات شورای نگهبان مسبوق به سابقه است، در مورد ارتقای در نظام اداری و انتصاب اشخاص به مشاغل حساس است. طبق بند ۲-۴ نظر شماره ۹۴/۱۰۲/۵۹۳۹ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۲ شورای نگهبان در خصوص طرح نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس مصوب ۱۳۹۴/۱۱/۱۱ مجلس، در مورد بند چ ماده ۲ این طرح که «آمران و مباشران راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره ای و وبگاه (سایت) های اینترنتی ضد اسلام و ضد انقلاب، فعالان علیه نظام و عوامل مرتبط با آنها و نیز فعالان در نشر و انتشار موارد مستهجن در فضای مجازی» را از انتصاب به مشاغل حساس ممنوع کرده بود، ایگونه مقرر کرد: «۲-۴- با توجه به اینکه در بند (چ)، عبارت «ضداسلام» قید گردیده است، این ایهام وجود دارد چنانچه اقدامات مذکور «ضد مذهب رسمی کشور» صورت پذیرد، فاقد اشکال است بنابراین باید این عبارت نیز ذکر شود و الا ایراد دارد.» با اصلاح بند مزبور به این نحو که قید «ضدمذهب رسمی کشور» بعد از «ضد اسلام» افزوده شد، ایراد شورا رفع شد. این مسئله در کنار عدم ورود ایراد شورا به بند ب همین ماده مبنی بر ممنوعیت انتصاب «کسانی که به اسلام، نظام جمهوری اسلامی، ولایت مطلقه فقیه و قانون اساسی اعتقاد و التزام عملی ندارند» به مشاغل حساس نشان می‌دهد، پیروان مذاهب اسلامی اصل ۱۲ تا جایی که به فعالیت ضدمذهب رسمی کشور

۱- قابل مشاهده در این نشانی: <https://khl.ink/f/48507>

۲- تقدیر شیخ سید عبدالباغت قتالی امام جمعه اهل سنت بندرعباس از رهبر انقلاب در حسن انتصاب فرمانده جدید نیروی دریایی ارتش، قابل مشاهده در این نشانی: <http://fna.ir/3566q>

۳- قابل مشاهده در این نشانی: <https://irna.ir/xjFLrF>

اقدام نکرده باشند، با احراز باقی شرایط لازم از انتصاب به این مشاغل حساس ممنوع نیستند و لذا از این حیث در موقعیت برابری با پیروان تشیع اثنی عشری دارند.

۵-۳- تنظیم مقررات محلی طبق مذهب دارای اکثریت با رعایت حقوق سایر مذاهب

اصل ۱۲ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی‌الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل هستند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراهای بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب».

بر اساس این اصل، در مناطقی که پیروان اقلیت‌های مذهبی، دارای اکثریت باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراهای مطابق آن مذاهب خواهد بود. در این خصوص گفتنی است مطابق اصل ۱۰۰ قانون اساسی که در خصوص موضوع شوراهای است، حیثه صلاحیت شوراهای محلی در زمینه «برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی» می‌باشد و از طریق همکاری مردم و با توجه به مقتضیات محلی صورت می‌پذیرد. علاوه بر این، مطابق اصول ۱۰۰ و ۱۰۵ قانون اساسی، شوراهای محلی در تصمیم‌گیری‌های خود، محدود به رعایت اصول وحدت ملی، تمامیت ارضی، نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی بوده و تصمیمات آنها نباید مغایر با موازین اسلام و قوانین موجود در کشور باشد.

با این همه، اعمال این حق، مطلق نبوده و مشروط به دو شرط است: ۱- اکثریت ساکنان آن مناطق، معتقد به مذهبی غیر از مذهب شیعه اثنی عشری باشند ۲- حقوق پیروان سایر مذاهب رعایت شود. بر این اساس، از نگاه قانون‌گذار اساسی، امکان مقرره‌گذاری با توجه به احکام خاص اقلیت‌های مذهبی و با رعایت دو شرط فوق، امکان‌پذیر است.

از مصادیق اختیارات شوراهای محلی که مبتنی بر اصل ۱۲ قانون اساسی به وسیله پیروان مذاهب اسلامی تشکیل می‌گردد، می‌توان به مواردی همچون تعیین تکلیف نسبت به تخریب مساجد برای راه‌سازی، وضع عوارض محلی در حدود زکات و اتخاذ تصمیمات فرهنگی بر اساس مذهب حاکم اشاره کرد (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ۴۷۱).

نتیجه‌گیری

ابتدا روشن شد که مراد مقنن اساسی از مفهوم اقلیت‌های مذهبی، شامل مذاهب اربعه اهل سنت و مذهب زیدی است و شمول عبارت اقلیت دینی نسبت به پیروان این مذاهب غلط مصطلحی است که گاهی در اسناد حقوقی یا آثار علمی به کار می‌رود. مروری بر انواع حقوق فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اداری و استخدامی، روشن می‌سازد که اقلیت‌های مذهبی همانند اکثریت شهروندان شیعه مذهب، از حقوق مذکور برخوردار هستند و در این زمینه، استثنائاتی نادر مشاهده می‌شود.

از جمله حقوق فرهنگی و اجتماعی تضمین شده می‌توان به برخورداری از احترام کامل در قالب قوانینی نظیر جرم‌انگاری اهانت به مقدسات اسلام اعم از مذاهب شیعه و سنی اشاره کرد. حق برگزاری مناسک مذهبی نیز در قالب تضمین آزادی در ساخت و احداث و تعمیر مساجد در قوانین موضوعه دیده می‌شود و در موارد دیگری از مناسک مذهبی نظیر تدفین متوفیان نظر شورای نگهبان تنها بر منع رسمی اعلام کردن ادیان و مذاهب اقلیت است و نه منع رعایت آداب مذهبی طبق مذهب ایشان. در مورد احوال شخصیه و دعوای مربوطه در دادگاه‌ها قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه مصوبه پیش از انقلاب اسلامی بوده و به جهت ابهام‌هایی مانند الزام به تبعیت از مذهب یا دین شوهر برابری می‌تواند محل تردید باشد. حق تعلیم و تربیت دینی در قالب جواز حضور نماینده اقلیت‌های دینی و مذهبی در زندان جهت ارشاد دیده می‌شود، اما منوط به درخواست زندانی و موافقت رئیس مربوطه بودن آن مطلوب به نظر نمی‌رسد. همچنین ایجاد دانشکده خاص اهل سنت، دبیرستان‌های علوم و معارف اسلامی ویژه اهل سنت، شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت در مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای اعلی آموزش و پرورش و به علاوه حق پر آموزش در مدارس مطابق متون مذهبی اهل سنت در قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش از موارد دیگر تضمین حق تعلیم و تربیت مذهبی به طور خاص و حق پر آموزش به شکل عام است. حق تبلیغ مذهب اقلیت نیز بین پیروان مذاهب اقلیت مجاز است و تنها به تضعیف اعتقادات پیروان تشیع شورای نگهبان ایراد شرعی گرفته است که توسط مجلس قابل رفع است.

در مورد حقوق اقتصادی برخورداری از معافیت‌های مالی مانند معافیت از مالیات در موقوفات، نذورات، پذیره، کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیرنقدی مربوط به مساجد اقلیت‌های مذهبی و همچنین معافیت از پرداخت حق بیمه سهم کارفرما توسط مساجد اقلیت‌های مذهبی و نیز معافیت مساجد، مصلی‌ها، اماکن صرفاً مذهبی از هزینه‌های حق انشعاب آب، برق، گاز و فاضلاب و عوارض ساخت و

ساز فقط برای فضای اصلی از جمله امتیازاتی که که بین مذهب رسمی کشور و مذاهب اقلیت‌های شناخته‌شده در قانون اساسی برابر است. از دیگر حقوق اقتصادی حق فعالیت اقتصادی اقلیت‌ها است که علاوه بر اینکه اطلاق حکم قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار شامل اقلیت‌های مذهبی می‌شود، در بهره‌برداری از منابع طبیعی در قوانین مربوطه نیز تفاوتی بین پیروان مذاهب شناخته‌شده در قانون اساسی با تشیع اثنی‌عشری وجود ندارد.

از جمله حقوق سیاسی، حق مشارکت در انتخابات که در هر دو حالت حق انتخاب شدن و حق انتخاب کردن تضمین لازم برای اقلیت مذهبی وجود دارد. چه آنکه اصل ۶۴ قانون اساسی تفاوتی میان اقلیت و اکثریت مذهبی در حق انتخاب شدن به عنوان نماینده مجلس قائل نشده و قانون انتخابات مجلس نیز شرط اعتقاد و التزام عملی به اسلام را بدون ذکر مذهب خاصی بیان کرده است. حتی در مجلس خبرگان رهبری نیز تعدادی از نمایندگان اهل سنت هستند. عضویت در شوراهای شهر و روستا نیز منعی از این جهت ندارد. تنها لزوم شیعه بودن رئیس جمهور در اصل ۱۱۵ قانون اساسی شرط شده است. انتخاب شدن در هیئت مدیره نهادهای صنفی مانند سازمان نظام پرستاری نیز برای اقلیت‌های مذهبی مجاز است. در مورد حق انتخاب کردن نیز ممنوعیتی برای حضور اقلیت‌های مذهبی در هیچ یک از انواع انتخابات‌ها وجود ندارد و مشارکت در همه‌پرسی نیز به همین صورت است. در مورد سایر حقوق سیاسی نیز تبعیضی از جهت پیرو مذهب اقلیت بودن نیست؛ مثل تابعیت در اصل ۴۱ که حق مسلم هر فرد ایرانی اعم از شیعه و سنی است.

از میان حقوق اشخاص در نظام اداری و استخدامی حق بر اشتغال و حق بر استخدام شدن از اطلاق اصل ۲۸ قانون اساسی برای اقلیت‌های مذهبی نیز قابل استنباط است. از جمله شرایط عمومی استخدام در دستگاه‌های اجرایی نیز اطلاق اعتقاد به اسلام (اعم از تشیع و تسنن) است. شورای نگهبان نیز علیرغم منع نیل غیرمسلمان به مراتبی از فرماندهی، اقلیت‌های مذاهب اسلامی را مجاز به این امر دانسته است. برخورداری از حقوق و مزایا و سایر امتیازهای استخدامی در شرایط برابر نیز در قوانین و مقررات موضوعه مورد توجه بوده است، کما اینکه در مورد همطرازی افرادی که در حوزه‌های علمیه اهل سنت نیز تحصیل نموده‌اند و نیز در مورد تنظیم مقررات استخدامی ضوابط لازم اهل تسنن لحاظ گردیده است. در مورد انتصاب اشخاص به مشاغل حساس نیز شرط شده است که به فعالیت ضد مذهب رسمی کشور اقدام نکرده باشند و در غیر این صورت منعی وجود ندارد. از دیگر حق‌های مربوط به نظام اداری

تنظیم مقررات محلی طبق مذهب دارای اکثریت در هر محل با رعایت حقوق سایر مذاهب است. با این توصیف و با عنایت به اینکه قوانین مورد استناد در جهت اثبات برابری اقلیت‌های مذهبی با اکثریت شهروندان شیعه مذهب در دسترسی به حقوق مختلف، مورد تأیید شورای نگهبان واقع شده‌اند، روشن می‌شود که از نگاه این شورا، برابری مذکور، ایرادی نداشته و مغایر قانون اساسی و شرع نمی‌باشد.



کتابنامه

۱. احمدی سفیدان، حسین؛ کاظمی زاد، علیرضا (۱۳۹۸). بررسی تأثیر انقلاب اسلامی در ارتقای آگاهی مردم از حقوق شهروندی و کرامت انسانی؛ مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، صص ۳۶۳-۳۷۹
۲. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۴). صورت مشروح مذاکرات بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۲، تهران: روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
۳. امامی، محمد؛ استوارسنگری، کورش (۱۳۸۸). حقوق اداری، ج ۱، تهران، میزان.
۴. تربری، پاتریک (۱۳۷۹). حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها، ترجمه علی اکبر آقایی و آریتا شمشادی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
۵. دانش‌پژوه، مصطفی (۱۳۹۶). تأملی «ایضاحی-انتقادی-اصلاحی» در اصول و مواد قانونی مربوط به احوال شخصیه اقلیت‌های دینی و مذهبی در حقوق ایران، حقوق اسلامی، شماره ۵۳.
۶. زارعی، بهادر؛ زینی‌وند، علی؛ محمدی، کیما (۱۳۹۲). حقوق اقلیت‌ها از نظر اسناد بین‌المللی، اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۱.
۷. زراعت، عباس (۱۳۸۱). بررسی جرم‌اهانت به مقدسات اسلام، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۶.
۸. ژرژ، پی‌یر (۱۳۷۴). ژئوپلیتیک اقلیت‌ها، ترجمه سیروس سهامی، مشهد: واقفی.
۹. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان سیستان و بلوچستان (۱۳۹۷). سند آمایش استان سیستان و بلوچستان، قابل دسترسی در تارنمای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان سیستان و بلوچستان به نشانی: mpo-sb.ir
۱۰. شریبتیان، محمدحسن (۱۳۸۷). تأملی بر مبانی فرهنگ شهروندی و ارائه راهکارهایی برای گسترش آن، مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، شماره ۸ و ۹.
۱۱. شریعتی، روح‌الله (۱۳۸۷). اقلیت‌های دینی، چاپ سوم، تهران: کانون اندیشه جوان.
۱۲. طحان‌نظیف، هادی؛ ممتازنیا، محمدسعید (۱۳۹۸). همه‌پرسی تقنینی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۵۰.

۱۳. فتاحی، علی (۱۳۹۴). گزارش پژوهشی تحلیل مبانی اصل دوازدهم قانون اساسی، شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۱۷۶، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان.
۱۴. فضائلی، مصطفی؛ کرمی، موسی (۱۳۹۶). حمایت از فرهنگ و حقوق فرهنگی اقلیت‌ها در پرتو تفسیر عام شماره ۲۱ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۵۶.
۱۵. فضائلی، مصطفی؛ کرمی، موسی؛ اسدی، ثریا (۱۳۹۶). حمایت از اقلیت‌های مذهبی در نظام حقوقی اسلام و نظام بین‌المللی حقوق بشر، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۱۱.
۱۶. قاسمی حامد، عباس (۱۳۹۴). حقوق اقتصادی، تحقیقات حقوقی، شماره ۷۰.
۱۷. قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۲). اقلیت‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات راهبردی، شماره ۴.
۱۸. گوهری، داود؛ زیوری میرزایی، زهرا (۱۴۰۰). بررسی حقوق اقلیت‌های مذهبی در فقه مذاهب، قانون‌یار، شماره ۱۷.
۱۹. نصرالله‌زاده، سعید؛ حیدری‌منش، سید محمدجواد (۱۳۹۶). رویکرد نظام جمهوری اسلامی به صیانت از حق فرهنگ و آموزش اقلیت‌های دینی و مذهبی، حقوق بشر و شهروندی، شماره ۴.
۲۰. ولویون، رضا (۱۳۸۵). ارث اقلیت‌های دینی و مذهبی در ایران، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۸.
۲۱. هاشمی، سید محمد (۱۳۹۲). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، تهران: میزان.
۲۲. یزدی، محمد (۱۳۷۵). قانون اساسی برای همه، تهران: امیرکبیر.